



چند پیشنهاد برای معلم‌مان

تفکر و سبک زندگی

سیدامیرحسین میردامادی
دبیر تفکر و سبک زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی، یکی از بارهایی است که بر دوش همه ارکان مدرسه قرار دارد؛ اما با توجه به وظایفهای که برنامه درسی ملی برای حوزهٔ یازدهم یادگیری تعیین کرده، سهم دبیر تفکر و سبک زندگی از این بار بیشتر است. هرچند آشکار است که این کار بزرگ با دو ساعت در هفته به انجام نخواهد رسید، با کاربست پیشنهادهایی که در ادامه می‌آید، می‌توان به نتایجی قابل توجه امیدوار بود.

صحنه را خالی کنید؛ لطفاً به پشت صحنه تشریف بیاورید!

پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.
بر اساس این اصل، لازم است در طراحی آموزشی برای نقش یادگیرنده اعتبار قائل بود او را عنصری فعل و مؤثر در فرایند تدریس و یادگیری دانست. چه بسا اصلی ترین عنصر و محور فرایند تدریس همین یادگیرنده باشد و بر این اساس، نباید او را چون شیئی بی جان و منفعل در فرایند تدریس انگاشت.
در جایی دیگر از جمله ویژگی‌های ذکر شده در برنامه درسی ملی برای دانش‌آموز آمده است:
در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه شایستگی‌های خوبیش به لحاظ ذاتی نقش فعل دارد.
دیگر زمان ارائه جزوات و آموزش‌های مستقیم به شیوهٔ انتقال اطلاعات به پایان رسیده است و نمی‌توان اصلی ترین نقش را در کلاس درس به یادگیرنده نداد.

یکنواخت نباشد!

راهکار ۱۱۶ ام از راهکارهای ذکر شده در سند تحول «یجاد تنوع در فرصت‌های تربیتی در مراکز آموزشی و تربیتی برای پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان» است.
همچنین، از جمله ویژگی‌های یاددهی - یادگیری ذکر شده در برنامه درسی ملی این است:

آیا می‌شود مهارت رانندگی را آموخت و پشت فرمان ننشست؟
در آموزش مهارت‌های زندگی هم شیوهٔ کار ما باید بر مبنای تدارک موقعیت‌های تجربه یا شبیه‌سازی برخی موقعیت‌های واقعی زندگی در فضای آموزشی باشد. به این ترتیب که یک فعالیت یا بازی آموزشی طراحی شود. دانش‌آموز با قرارگرفتن در آن موقعیت، با مهارت مورد هدف طرح درس مواجه شود و از آن برای حل یک مسئله بهره گیرد.
اساساً آموزش مهارت بدون موقعیت‌های تجربه، بهویژه تجربه‌هایی نزدیک به فضای واقعی زندگی، بی‌نتیجه است.
پس، خودتان را آماده کنید که در این کلاس حس مرسوم علمی را داشته باشید!

به این اصل که در سند برنامه درسی ملی آمده است، توجه کنید؛
اصل سوم از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی: اعتبار نقش یادگیرنده برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعل، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینهٔ تقویت و توسعهٔ روحیهٔ پرسشگری،

تک روی نکنید؛ هم تیمی‌هایتان هم آماده گلزنی هستند!

بنا که قرار بود در هر روزتایک سال بماند و مسجدی بنا کند، هر روز به کورهٔ آجریزی می‌رفت و کیسه‌اش را پر از آجر می‌کرد و می‌آمد که تا قبل از ظهر به روزتا بررس و تا غروب، قسمتی از بنای مسجد را بسازد، اما سال تمام شد و ساختمنان مسجد نه!

در روزتای بعدی به مردمی که هر روز از کنار کورهٔ آجریزی به سمت روزتا می‌آمدند، گفت با خودشان چند آجر بیاورند تا کار سریع‌تر بیش برود و بعد از یک سال، روزتا را مسجددار کرد. دبیران دروس مختلف هر روز ساعتها با بچه‌ها سروکار دارند و می‌توانند موقعیت‌های خوبی برای تقویت مهارت‌های زندگی در کلاس خود بسازند. پس این طرف و آن طرف، در اتاق معلم‌ها یا گروه مجازی تان آن‌ها را گیر بیندازید و دغدغه‌هایتان را با آن‌ها در میان بگذارید. کمتر معلمی دغدغهٔ آموزش مهارت‌های زندگی را ندارد. به فراخور شرایط هر درس با دبیر آن از آموزش مهارتی در کلاش بگویید و با هم ایده‌پردازی کنید.

خوب نگاه کنید؛ تیم شما بزرگ‌تر از این است!

راستش را بگویید، معلم تفکر و سبک زندگی شماید؟ آیا دانش‌آموز تفکر و سبک زندگی را بیشتر از شما می‌آموزد یا از خانواده‌اش؟ آیا آن‌ها این کار را به خوبی انجام می‌دهند؟ شما که سرتان برای این درد می‌کند که به نحی خود بچه‌ها را در این زمینه تقویت کنید، از آموزش خانواده‌ها غافل نشوید. با مدرسه دراین باره صحبت کنید. استاد خبره دعوت کنید و کارگاه‌هایی برای پدرها و مادرها بگذارید. به آن‌ها - که همکاران تان هستند - بگویید: بیایید به هم برای ایفای نقش مربیگری‌مان کمک کنیم.

آی اردو، اردو، اردو، دبیر تفکرم کو؟!

شکر خدا، مدرسۀ بی‌اردو کمپیدا می‌شود؛ اردوهای متنوع، کوتاه و بلند، نزدیک و دور، علمی، ورزشی، زیارتی، تفریحی و... اردو جایی است که در آن قالب‌های مرسوم آموزش شکسته می‌شود. در نگاه برخی دانش‌آموزان، در اردو زنگی به صدا در نمی‌آید که همه به فضای درسی‌ته کلاس باز گرددند. چه خوب است اگر بچه‌ها در مدرسه زندگی کنند، اما اینکه در اردو هم فرصت زندگی کردن را داشته باشند، به از هیچ است. در اردو می‌شود موقعیت‌های نابی ساخت که بچه‌ها با قرار گرفتن در آن، مهارت‌های زندگی را تجربه کنند و بیاموزند. از خوابیدن، بیدار شدن، آماده کردن غذا، خوردن آن، تفریح کردن، بازدید کردن، فعالیت‌های هدفمند و هزاران موقعیت

یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط‌های متنوع یادگیری است.

بر همین اساس، معلم کلاس تفکر نیز باید در طول سال تحصیلی با ابزارهایی گوناگون دانش‌آموزان را از منظرهای مختلف با موضوعات درسی روپرورد کند.

دلیل اول برای این تنوع این است که باعث یادگیری همه‌جانبۀ دانش‌آموزان و افزایش علاقه‌مندی ایشان به درس می‌شود. اگر تنها با یک شیوه با موضوعات این کلاس مواجه شوند، ممکن است کاربردهای آموزه‌های این درس را محدود به زمینه‌هایی خاص بدانند اما وقتی با موضوعات این کلاس در لباس‌های مختلف روپرورد شوند، به اهمیت و کاربرد وسیع آن‌ها پی‌خواهند برد.

دلیل دوم این است که دانش‌آموزان با یکدیگر متفاوت‌اند و این تفاوت ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد این تفاوت و تنوع، سبک‌های یادگیری و تفاوت‌های ایشان در بهره‌وری از هوش‌های مختلف است. دانش‌آموزی با فعالیت و بازی یاد می‌گیرد، دیگری در بحث و گفت‌وگو، آن یکی در مشاهده فیلم و... تنوع راهبردهای تدریس باعث شکل‌گیری پاسخ‌های متنوع برای نیازهای متنوع دانش‌آموزان خواهد شد.

جالب بود، ولی به چه درد من می‌خورد؟

یادگیری آنچه یادگیرنده به یادگیری آن احساس نیاز کند، بسیار سریع‌تر، سه‌هل تر، مؤثر‌تر و ماندگارتر است. بر همین اساس، تلاش کمیم آنچه را واقعاً موردنیاز دانش‌آموزان است آموزش دهیم و همچنین، فرایند یادگیری را به طوری برنامه‌ریزی کنیم که طی آن، یادگیرنده، خود به یادگیری آن مهارت یا نگرش یا دانش احساس نیاز کند و خواهان آن باشد.

برای یک طراحی اثربخش، لازم است به این دو نکته توجه شود تا پاسخی که داده می‌شود، به سؤال و درخواستی باشد که وجود دارد، نه به سؤالی که چند دهه قبل مطرح بوده است و نه به درخواست و نیازی که یک دانش‌آموز اروپایی دارد. از طرف دیگر، فعالیت یادگیری را به نحوی طراحی کنیم که یادگیرنده، نیاز خود به یادگیری آن مهارت را دریابد.

از مزیت‌های درس تفکر این است که همواره این سؤال برای دانش‌آموزان مطرح است که به چه دلیل باید در این فعالیت‌ها مشارکت کنند؛ سؤال مهمی که متأسفانه کمتر نسبت به دروس دیگر آن را می‌شنویم و بچه‌ها اغلب بدون آنکه بدانند چرا، آماج آموزش‌های گوناگون قرار می‌گیرند. پس، از این مزیت استفاده کنیم و بدون اینکه بخواهیم برای بچه‌ها منبر اهمیت این درس را بر پا کنیم، فعالیت‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که خود یادگیرنده، در خلال آن‌ها به اهمیت موضوع و نیازش به یادگیری آن بی‌ببرد.



**چه کنیم که
بچه‌ها این درس
را همان‌طور که
جدی است، جدی
بگیرند؟
اولین جوابی که
به ذهن می‌رسد،
این است که
خودمان آن را
جدی بگیریم**

است که دانش‌آموز از ترس پدر نیست که به درس شما اهمیت نمی‌دهد اما از طرف دیگر ممکن است جدیدیت این درس در نگاه دانش‌آموز زیر پای ریاضی و علوم له و نابود شود. حالا چه کنیم که بچه‌ها این درس را همان‌طور که جدی است، جدی بگیرند؟ اولین جوابی که به ذهن می‌رسد، این است که خودمان آن را جدی بگیریم؛ یعنی:

برای معلمی مان وقت بگذاریم؛ مطالعه کنیم، در کارگاه‌های آموزشی شرکت کنیم، با معلمان دیگر گفت‌و‌گو کنیم، فیلم بینیم و خلاصه خودمان را برای این کار بسازیم و حرفاً بشویم.

یکبار در مدرسه‌ما، دانش‌آموزی آمد و گفت که برای بچه‌ها کاملاً مشهود است که دیگران تفکر و سبک زندگی این مدرسه، روی کلاسشان کار کرده‌اند و طرح درس دقیق دارند. هر چند اغلب جلسات کلاس ما به بازی و فعالیت اختصاص داشت، ارزشی که این بازی‌ها برایمان داشتند و وقتی که صرفشان کرده بودیم، ناخواسته به بچه‌ها منتقل شده بود و همین عاملی بود که درسمان را جدی بگیرند.

برای محتوای کلاس و فعالیتی که انجام می‌دهید وقت بگذارید؛ مثلاً وقتی دبیر با دستی پر از کارت‌های خاص یا برگه‌های رنگی برش خورده یا هر چیز دیگری که قبل از کلاس آماده کرده، پا به کلاس می‌گذارد، یعنی این یک ساعت برای من مهم است و خودم را برایش آماده کرده‌ام. بچه‌ها هم آن یک ساعت را جدی می‌گیرند.

در مدرساهای دیگر که افخارشان برگزاری آزمون‌های پرشوار چهارگزینه‌ای در فواصل زمانی کوتاه بود، هر بار در هفته‌منتهی به آزمون، برخی دروس از جمله تفکر و سبک زندگی باید جای خودشان را به آمادگی برای آزمون کذا بی‌دانند. معلم تفکر که تازه به آن مدرسه آمده بود، جلوی این کار مدرسه ایستاد و از حق دانش‌آموزان دفاع کرد. به این ترتیب، برای مدرسه و بچه‌ها روشن شد که این درس، دست کم در نظر دبیر آن، درس درجه دو نیست.

مسئله دیگر، جدی گرفتن درس تفکر و سبک زندگی در مواجهه با دیگران است. حتی گاهی لازم است درباره اهمیت و جایگاه این درس با آن‌ها سخن بگویید و قانعشان کنید.

دیگر می‌توان فرصت یادگیری ساخت؛ به شرط اینکه دبیر تفکر خود را به چارچوب کلاس تفکر و سبک زندگی محدود نکند. با مسئولان در طراحی و برگزاری اردو مشارکت کند و اردو را به اهداف درس خود و آموزش مهارت‌های زندگی گره بزنند. در این صورت، چه سپا اثر اردو از یک سال زحمتی که دبیر برای کلاسش می‌کشد بیشتر باشد.

در سند برنامه درسی ملی، جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش این حوزه این گونه بیان شده است: فعالیت‌های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. ازین‌رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌های تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (بهصورت فردی و گروهی) دست یابند، جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌هast. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرتع، توجه به شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است.

تمرين‌های منزل

نه... نگران نشوی! منظورم پر کردن کاغذ با متن‌های نخواستنی و بی‌فایده نیست. منظورم تکالیف ملال آور که فرصت نفس کشیدن هم برای طفلکی‌ها نمی‌گذارد، نیست. منظورم تجربه‌های ناب و خواستنی است که در مدرسه امکان تحقق آن‌ها کمتر دست می‌دهد و در خانه و بیرون مدرسه، بیشتر. نظرتان درباره ساخت یک فیلم یا پادکست چیست؟ یک کاردستی هدفمند چطور؟ یا نوشتن... اما نوشتن آنچه دوستش دارد چه؟ چطور است این بار کارش این باشد که با مادرش درباره موضوعی گفت‌و‌گو کند و مادرش خروجی این گفت‌و‌گو را برای شما بنویسد؟

پیشنهاد می‌کنم فکر کنید و تمرين‌های مفید و شیرین طراحی کنید. خودمان را ملزم به پر کردن وقت بچه‌ها در خانه ندانیم، اما گوشۀ ذهنمان این ابزار یادگیری را هم داشته باشیم.

جدی بگیرید، تا جدی بگیرند!

بچه‌ها هم مثل بزرگترها هم کارهای جدی دارند هم کارهای بی‌اهمیت. عوامل مختلفی باعث می‌شود که یک کار جدی تلقی گردد. درس ریاضی برای خانواده‌ها مهم است و به تبع آن، برای بچه‌ها مهم می‌شود. حالا ممکن است آن‌ها اهمیت این درس را درک هم نکنند. درواقع، چون درسی برای پدر دانش‌آموز مهم است، خواهناخواه برای او هم مهم می‌شود اما وقتی پدرش به او می‌گوید: «تفکر دیگر چیست؟ ریاضی مهم است!» به یک معنی انفاق خوبی برای شما افتاده است. خیالتان راحت